

زندگی و زمانه‌ی سید احمد رضوی

مؤلف:

حیدر شہزاد

www.ketab.ir



سرشناسه: شورآبادی، حدیث، ۱۳۶۷-

عنوان و نام پدیدآور: زندگی و زمانه‌ی سیداحمد رضوی / مؤلف حدیث شورآبادی.

مشخصات نشر: کرمان: مرکز کرمان شناسی، ۱۴۰۰. مشخصات ظاهری: ۱۲۴ ص: مصور

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۰۱۱-۲۳-۴ وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۱۴-۱۲۴. موضوع: رضوی، احمد، ۱۲۸۴-۱۳۵۰.

موضوع: سیاستمداران - ایران - سرگذشتنامه شناسه افزوده: مرکز کرمان شناسی

موضوع: Politicians—Iran—Biography

موضوع: Iran—History—Pahlavi, ۱۹۴۱-۱۹۷۸ رده بندی کنگره: ۱۴۸۶ DSR

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۲۰۹۲ شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۰۳۴۵۲



عنوان کتاب: زندگی و زمانه‌ی سیداحمد رضوی

مؤلف: حدیث شورآبادی

ناشر: مرکز کرمان شناسی با همکاری بنیاد ایران شناسی

تنظیم و صفحه آرایی: لیلا گهرگزی

طرح روی جلد: مهسا مهربان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۰۱۱-۲۳-۴

شماره انتشار: سیصد و هجده (۳۱۸)

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۰

قیمت: ۲۸۰۰۰۰ ریال

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: هنگام

حق چاپ برای ناشر و مؤلف محفوظ است

آدرس: کرمان- خیابان ابن سینا- مرکز کرمان شناسی ۳-۳۲۲۶۹۵۸۱-۰۳۴

فهرست مطالب

مقدمه ناشر.....	۱۱
مقدمه.....	۱۵
فصل اول: رضوی از تولد تا ورود به سیاست	۱۷
درآمد.....	۱۹
آشنایی با خانواده رضوی.....	۱۹
تحصیلات رضوی در ایران.....	۲۱
تحصیلات رضوی در اروپا.....	۲۲
فصل دوم: رضوی در عرصه سیاست (۱۳۲۰-۱۳۲۷)	۳۱
درآمد.....	۳۳
رضوی و حزب توده.....	۳۳
پیشینه حزب توده.....	۳۴

- ۳۵ فعالیت رضوی در حزب توده
- ۳۶ رضوی و حزب دموکرات
- ۳۷ پیشینه حزب دموکرات ایران
- ۳۸ اختلاف رضوی و قوام در حزب دموکرات
- ۴۱ مجلس پانزدهم
- ۴۴ رضوی و دولت هژیر
- ۴۵ اختلاف رضوی با دولت ساعد
- ۵۲ پیشنهادات رضوی در مجلس پانزدهم
- ۵۴ رضوی و جبهه‌ی ملی
- ۵۷ رضوی در نهضت ملی نفت
- ۵۹ مبارزه رضوی با سپهبد رزم آرا
- ۶۳ **فصل سوم:** رضوی از جبهه ملی تا محاکمه در دادگاه نظامی
- ۶۵ درآمد
- ۶۵ انتخابات مجلس هفدهم

مقدمه ناشر

شاید آن روز که از واژه «رفسنجان» برای نامگذاری این سرزمین استفاده شد، تصور این بود که رفسنجان، تنها معدن و کان مس است (رفسن = مس و کان = معدن) غافل از اینکه، این دیار «شهرهای گمشده»^۱ دارای ارزش های معنوی دیگری خواهد شد که جایگاه آن معادن، در برابر بزرگی هایشان، کوچک می نماید، آن گونه که دیدیم، مردان سترگی چون حاج آقا احمد از این دیار برخاستند و با دارا بودن مقام اجتهاد، در ته چاه، به کار پرداختند و «دنفه» آباد کردند و عرضه خدمت نمودند، تا در چاه افتادگان فقر و تنگدستی را نیز نجات دهند همچنین نام آوران دیگری که حتی اشاره ای به آنها، از حوصله این اندک، بیرون است.

یکی از این بزرگان که بی گمان یاد و خاطره اش همواره نقش نگین تاریخ خواهد بود، مهندس سید احمد رضوی فرزند خلف سرزمین طلای سبز است. او در گوشه گمنامی از خاک رفسنجان دیده به جهان گشود و چندی را در فتح آباد گذراند، بدان امید که

^۱ - اناس - اذکان - رودان

این حضور، فتح بابی باشد برای رسیدن به آرمان‌های بلندی که در سر می‌پروراند.

رضوی تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در کرمان و تهران به پایان برد و سپس مدتی را به تدریس پرداخت و سرانجام با گزینش در امتحانات اعزام دانشجو به خارج، راهی فرانسه شد و در رشته مهندسی برق به تحصیل خود ادامه داد.

نمی‌دانم آن روز که او رشته برق را برمی‌گزید، هرگز تصور می‌کرد که زمانی نه چندان دور به فراتر از این می‌اندیشد و از روشنای برق و فروغ آن درمی‌گذرد و به روشنای اندیشه انسان‌ها گرایش پیدا می‌کند و راه‌تکثیر افکار عمومی، در سایه خدمات و فعالیت‌های سیاسی- اجتماعی را برمی‌گزیند؟

باری حضور مهندس رضوی در عرصه سیاست، دنیای دیگری را به روی او گشود و بی‌هر گونه ترس و هراسی قدم به دنیایی گذاشت که معمولاً پایانی نه چندان شیرین دارد.

آنچه او را به دنیای سیاست ره برد، حشر و نشر با دوستان و همکلاسانی بود که گویی گل آنها را با ستم ستیزی سرشته بودند، چهره‌های نام‌آوری چون مهندس بازرگان که با آنچه در توان داشت قد برافراشت و نام خود را با سیاست و فرزاندگی، قرین و همنشین ساخت. مجالست او با دیگر فرهیختگان و بزرگان، چون حاج ابوجعفر فرزند حاج آقا احمد احمدی و پدر حاج میرزا محمد رضا

معروف به آیت الله کرمانی، بزرگمرد اجتهاد و کارآفرینی و معلم میرزا آقاخان و ناظم الاسلام کرمانی - نیز تأثیر شگرفی در او داشت. شاید همین همنشینی ها بود که وقتی موضع حزب توده را مخالف ارزش های اسلامی دید، از پذیرش عضویت در آن خودداری کرد.

مهندس رضوی، در اقتدار سخن گفتن و شهامت و شجاعت کلام، شهره بود، وقتی در سال ۱۳۲۷ نطق آتشین خود، درباره فساد ارتش و نابسامانی اوضاع مملکت ایراد کرد، «ساعد»، نخست وزیر وقت گفت: نطق مهندس رضوی از یکصد هزار نیروهای قشون، مؤثرتر بود.

در باب حضور او در جبهه ملی، همراهی تام و تمام او با دکتر محمد مصدق، رنج ها و دشواری هایی که در جریان کودتای ۲۸ مرداد، تحمل کرد، دوران سخت اسارت و زندانی شدن به جرم آزادیخواهی و ... در این اثر به نکات مهمی اشاره شده که نیازی به تکرار آنها نیست.

آنچه باعث تأسف است اینکه چهره خدمتگزاری چون مهندس رضوی با آن همه اوراق زرینی که بر تاریخ سیاسی و آزادیخواهی این مرز و بوم افزود، آن چنان که باید، معرفی نشده، آن گونه که این جفا را نمی توان نادیده گرفت. به عنوان نمونه دانشنامه دانش گستر که در ۱۸ جلد به معرفی نام آوران ایران پرداخته است و از سه رضوی (دکتر رضوی تفتی - رضوی سروستانی و رضوی قمی) یاد کرده، اما هیچ نامی از رضوی کرمانی نبرده است که صد البته علت این

مهیجوری را باید در تواضع بیمارگونه کرمانی‌ها جستجو کرد والا چگونه ممکن است شخصیتی چون سیداحمد رضوی را در حد یک هنرمند آواز هم به شمار نیاورد.

بر این اساس می‌توان گفت تلاش بانوی فرزانه «حدیث شورآبادی» در گذر پژوهش و بررسی زندگی پرفراز و فرود این استاد و چهره برجسته آزادیخواهی - که مفخر کرمان و کرمانی است - از جهات گوناگون، قابل تقدیر و سپاسگزاری است، اگرچه کم نیستند بزرگانی که نیازمند آگاهی بیشتر از حوزه علم و عمل آنها هستیم. امید که پژوهشگران برجسته دیگری نیز این کاستی‌ها را جبران کنند.

سید محمدعلی گلابزاده

مدیر مرکز کرمان‌شناسی

تایستان ۱۴۰۰